

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Arts & Music

هنر و موسیقی

محمد حیدر اختر

۱۳ جون ۲۰۱۴

به یاد شهید احمد ظاهر

ماه جوزا سومین ماه در سال هجری خورشیدی، و اواخر فصل بهار است. به سخن دیگر این ماه، ماه طراوت و شادابی و سرسبزی طبیعت در افغانستان عزیز می باشد. ولی، سال ها قبل در هوای خوشگوار ماه جوزا دو گل زیبایی هنر موسیقی پرپر شده و به خاموشی گرائیدند. گویا رقم رفته بود که هنر دوستان و علاقه مندان موسیقی در سوگ شهادت هنرمند بی بدیل و خنجره طلایی افغانستان شهید احمد ظاهر، و درست سه سال بعد آن باز هم در ماه جوزا در ماتم سرتاج موسیقی، بابای موسیقی، کوه بلند موسیقی کلاسیک افغانستان، استاد محمد حسین سرانگ بنشینند.

اکنون از شهادت احمد ظاهر آن جوان هنرمند سی و پنج سال می گذرد و از وفات پیر خرابات استاد سرانگ سی و دو سال سپری شده است. ولی، هنوز از خاطر هنر دوستان و علاقه مندان موسیقی اصیل افغانی فراموش نگردیده اند گفته اند: « هنر این پدیده شریف توانائی است برای نفی مرگ » هنرمندان همیشه در فرهنگ مردم و در قلب مردمش جای داشته و دارند، با مردم خود رشد می نمایند و حیات به سر می برند.

احمد ظاهر این بلبل خوشنوا به روز ۲۴ جوزای سال ۱۳۲۵ هجری خورشیدی در خانه یک خانواده تحصیل دیده و مرفه در شهر کابل چشم به دنیا گشود، دوره کودکی را پشت سر گذاشته و شامل مدرسه گردید هنوز بیشتر از



دوازده سال نداشت که برای بار اول در روز معلم روی ستیج لیسۀ حبیبیه ظاهر گشت و آواز گرمش را نثار دانش آموزان و دانش جویان آن مدرسه کرد و مورد تحسین همه قرار گرفت. طی چند کنسرتی که در لیسۀ حبیبیه انجام داد، او را « بلبل حبیبیه » لقب دادند.

احمد ظاهر پس از اخذ سند فراغت مکتب شامل دارالمعلمین کابل شد و به تحصیلات خود ادامه داد و هم سفری نیز به هندوستان داشته در رشته تعلیم و تربیه تحصیل نمود. در پهلوی فراگیری درس و تعلیم هیچ گاهی موسیقی را فراموش نکرده و به تلاش خود در این رشته دوام داد.

احمد ظاهر چون جوان پرکار بوده و علاقه مندی خاصی به موسیقی داشت آوازش را از محافل دوستان و مدرسه بیرون کشیده

و به یاری گروه آماتور که تازه تحت نظر ظاهر هویدا و عزیز آشنا در رادیو افغانستان تشکیل شده بود در برنامه های موسیقی آماتور رادیو سهم گرفته و نخستین آهنگ نابش را در سال ۱۳۴۳ از طریق امواج رادیو نثار تمام علاقه مندان موسیقی نمود. پخش اولین آهنگ؛ نخستین قدم هائی بود که احمد ظاهر جوان در میان هنرمندان جای پای برای خود کسب کرد. احمد ظاهر در سرودن آهنگ هایش ابتکارات را به خرج می داد زیرا وی خود واقعاً یک هنرمند بود و همین باعث شد که هر آهنگش شوری و ویژگی خودش را داشت. این هنرمند محبوب فرآورده هایش را با صمیمیت و لبخند همیشگی و با ژست های دلپذیر هنری نثار هنردوستانش می نمود. محبوبیت روز افزونش در بین مردم سبب گردید که در سال ۱۳۵۱ هجری خورشیدی به حیث خواننده سال از طرف دوستداران آوازش انتخاب گردد. احمد ظاهر عشق عجیبی به آواز خوانی داشت که این علاقه مندی را کمتر می توان در دیگر هنرمندان سراغ کرد. او همیشه می خواست بسراید، صدایش سوزی عجیبی داشت، در قالب آهنگ هایش چنان می درآمد که شنونده را با خود محو می کرد همیشه در تلاش بود تا آهنگ بعدی اش را بهتر از آهنگ قبلی اش آماده ثبت بسازد شعر های زیبا، پرمعنی را از شعرای شناخته شده زبان فارسی دری انتخاب می کرد.

احمد ظاهر به تمام هم قطاران، همکاران و هنرمندان با پیش آمد خوب، دوستانه و صمیمی قدم بر می داشت. با وجودی که از زندگی مرفهی بر خوردار بود ولی هرگز مردمش را فراموش نمی کرد خود را شریک غم و خوشی های مردمش می ساخت.

احمد ظاهر از جمله صداها آهنگی که اجراء کرده صرف توانست دو آهنگ را در تلویزیون افغانستان لبسنگ نماید. بار دیگر که می خواست چند آهنگ دیگرش را ثبت تلویزون نماید همه آمادگی ها گرفته شده بود. زمانی که احمد ظاهر داخل محوطه یا تعمیر تلویزیون شد برایش گفته شد نخست باید یک آهنگ انقلابی « خلقی » ثبت نماید در غیر آن اجازه ثبت آهنگ های دیگر را ندارد. احمد ظاهر بسیار عصبانی شد و از رادیو تلویزیون افغانستان برید.

احمد ظاهر با وجودی که همیشه مست و خندان و دارای سیمای صمیمی و دوست داشتنی بود اما چرخ روز گار گاه گاهی آزارش می داد. به خصوص زمانی که پایش در یک توطئه کشانیده شد و تا چشم به هم زدن خود را عقب میله های زندان یافت. این واقعه المناک تنها احمد ظاهر را متأثر نساخت بلکه خانواده احمد ظاهر به خصوص مادر مهربانش را از پای درآورد. چند زمانی از زندانی شدن احمد ظاهر نگذشته بود که خبر مرگ مادرش را در اتاق تنگ و تاریک زندان شنید این خبر مانند خنجر تیزی بود که بر سینه احمد ظاهر اصابت کرد و با دستان الچک زده راهی قبرستان شد و بالای گور مادرش زار زار گریست.

زمانی که از زندان رهائی حاصل نمود خیلی ها غمگین به نظر می رسید آن همه مستی و شادابی سابق را نداشت و با نبود مادر عزیزش، خیلی ها خود را تنها احساس می کرد اما دلخوشی اش انتظار طفلی بود که انتظار آمدنش را می کشید.

خوب به خاطر دارم که حوالی ساعت ۶ شام روز ۲۳ جوزای ۱۳۵۸ هجری خورشیدی بود. آنوقت خیال محمد کتوازی رئیس کمیته رادیو تلویزیون افغانستان بود، به دفتر ما تلفون کشیده هدایت داد تا در هر برنامه ای که آواز احمد ظاهر است، حذف گردد. هنوز چند دقیقه نگذشته بود که خبر وفات احمد ظاهر از طریق آژانس باخترا به مدیریت اخبار رادیو رسید.



زمانی که خبر از طریق امواج رادیو به نشر رسید اصلاً کسی باور نمی کرد که احمد ظاهر مرده است، و هیچ کس نمی دانست که احمد ظاهر چه گونه مرده است ؟ چون در آن زمان فضای خفقانزای بگیر و ببند و بکش بر تمام مردم شریف افغانستان سایه افکنده بود و همه در ترس و هراس بودند .

خبر تأثر انگیزی که قلب میلیون ها انسان با احساس و علاقه مند احمد ظاهر را به گریه و داشت و هزاران خانه را ماتم خانه ساخت و هزاران ناله و فریاد به آسمان بلند شد . تأثر و خشم دوستداران آواز احمد ظاهر زمانی بیشتر گردید، که رژیم دست نشانده و قاتلان احمد ظاهر ، مرگ این هنرمند بی بدیل را یک حادثه ترافیکی وانمود کردند . فردای آن روز زمانی که جنازه احمد ظاهر از منزل شان برداشته شد هزاران تن از علاقه مندان آواز احمد ظاهر به شمول زن و مرد ، پیرو جوان ، جنازه احمد ظاهر را تا شهدای صالحین همراهی کردند . برای اولین بار بود که دوشیزگان جوان با لباس های سیاه در پهلوی موتر جنازه احمد ظاهر با چشمان پر از اشک قدم بر می داشتند . بلی احمد ظاهر کشته شد و تا کنون مقامات دولتی وقت و دولت های بعدی که یکی پی دیگر بالا و پائین شدند هیچ گونه اقدام و راه یابی در زمینه این قضیه نکرده اند و تاکنون هم انگیزه قتل احمد ظاهر مانند معمائی باقی مانده است . آری ، اگر امروز احمد ظاهر در میان ما نیست ، خاطره ها و یادها و آهنگ های شور انگیز و جلودان او را داریم و همین آهنگ ها و سروده هایش و کست ها ، سی دی های اوست که تاکنون دست به دست می گردد و به گوش های علاقه مندان آواز طنین می افکند .

قاتلان احمد ظاهر فکر می کردند با از بین بردن احمد ظاهر صدایش را برای همیشه خاموش خواهند ساخت ، اما چون این هنرمند والا گهر به مردمش تعلق داشت و دارد بعد از مرگ نیز در قلب مردمش ماندگار ماند و روی جنایت کاران باند خلق و پرچم برای همیشه سیاه خواهد بود . درحالی که به روح پاک احمد ظاهر این شهید به خون خفته درود می فرستیم به قاتلان او ابراز نفرت می نمائیم . خداوند بیمارزدش .